



## دارا شدن ناعادلانه و بلاجهت در نظام حقوقی ایران و مقایسه آن با اکل مال به باطل

ابوالقاسم علیدوست\*

### چکیده

عنوان «دارا شدن ناعادلانه»، در اصل، بازتاب موادی از حقوق فرانسه در مواردی پراکنده از قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران است. به همین دلیل، عده‌ای ممنوعیت این نهاد را به مبانی حقوق فرانسه مستند می‌سازند. این در حالی است که برخی دیگر تلاش کرده‌اند این نهاد را تعبیری دیگر از «اکل مال به باطل» دانسته و مبانی رد آن را دلیل منع اکل مال به باطل در شریعت مطهر اسلام بدانند. پذیرش ممنوعیت دارا شدن ناعادلانه و یکسان‌نگاری آن با قانون منع اکل مال به باطل در قانون مدنی و حقوق ایران، به مطالعه تطبیقی این دو پدیده و مقایسه آنها با یکدیگر نیازمند است. براینکه این مطالعه تطبیقی آن است که نهاد اکل مال به باطل در شریعت اسلام با نهاد دارا شدن ناعادلانه در دیگر نظام‌های حقوقی مطابقت کامل ندارد و تفاوت‌هایی میان آنها دیده می‌شود؛ براین اساس، از ممنوعیت دارا شدن ناعادلانه و بلاجهت، با عنوان خاص آن، در چهارچوب شریعت اسلام نمی‌توان دفاع کرد.

**کلیدواژگان:** دارا شدن ناعادلانه، دارا شدن بلاجهت، استفاده بلاجهت، اکل مال به باطل، مؤاکله باطل، مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و فرانسه.

## مقدمه

واژه «عدالت» و مشتقات آن از واژه‌هایی با بسامد بسیار در نصوص و متون دینی و غیردینی است و در ساحت‌های گوناگون، فراوان از آن سخن گفته‌اند. باوجوداین، از نظر اهمیت و لزوم دقت، شاید هیچ ساحتی از ساحت‌ها مرتبط با عدالت، مانند ساحت فقه و حقوق، محل بحث و گفت‌وگو نباشد.

نگارنده، در شماره ۸۱ فصلنامه وزین کاوشی نو در فقه از رابطه عدالت و فقه با عنوان «نقش عدالت در فرایند استنباط اول و دوم» و با نگاهی فراققه‌ی، یعنی «فلسفه فقه»، سخن گفته است. مقاله‌ای که پیش‌رو دارید، از ماهیت و موقعیت نهادی با عنوان «داراشدن ناعادلانه» - که گاه از آن به «دارا شدن بلاجهت» یا «باکمی تسامح به» «استفاده ناعادلانه» و یا «استفاده بلاجهت» یاد می‌کنند - با نگاه حقوقی و درون‌فقهی و با ملاحظه نصوص دینی سخن به میان آورده و آن را با نهاد «اکل مال به باطل» مقایسه می‌نماید.

توضیح مطلب بالا این است که مواد پراکنده‌ای از قانونی مدنی جمهوری اسلامی ایران در موضوعاتی چون سقوط تعهدات و الزامات بدون قرارداد از دلیل منع اکل مال به باطل<sup>۱</sup> قابل استنباط است؛ ولی از آن‌جا که بیشتر مواد موردنظر، از قانون مدنی فرانسه برگرفته شده است، حقوق‌دانان هنگام تفسیر این مواد و بحث از مبانی و ادله آنها، به مبانی و ادله مربوط به حقوق فرانسه استناد می‌کنند. برخی از ایشان نیز به‌صراحت از مفاد و دلالت دلیل «منع اکل مال به باطل» با عنوان «[منع] استفاده بلاجهت یا دارا شدن ناعادلانه» بحث کرده و به آیه شریفه مربوط به آن استناد کرده‌اند (صفایی، ۱۳۹۲: ص ۳۷۱؛ کاتوزیان، ۱۳۷۴: ص ۵۴۶؛ جعفرزاده، ۱۳۹۰: ص ۲۳۵). آیه مبارکه این است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً  
عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾ (نساء: ۲۹):  
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال همدیگر را به‌ناروا مخورید - مگر آنکه دادوستدی با تراضی یکدیگر از شما [انجام گرفته] باشد - و خودتان را مکشید، همانا خداوند همواره با شما مهربان است.

برخی از حقوق دانان نیز این آیه را کامل‌ترین شیوه ممکن برای بیان قاعده منع دارا شدن ناعادلانه دانسته‌اند (امامی، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۳۵۱). استفاده بلاجهت یا دارا شدن ناعادلانه آن است که شخصی بدون سبب قانونی یا قراردادی و به زیان دیگری دارا شود. در این صورت، براساس قاعده‌ای که در بیشتر کشورها پذیرفته شده، استفاده‌کننده مکلف است عین مالی را که از این راه به دست آورده یا بدل یا قیمت آن را مسترد کند (همان، ص ۳۷۰). منابعی که دلیل اکل مال به باطل را یکی از مبانی منع دارا شدن ناعادلانه دانسته و به آن استناد کرده‌اند، در این باره هیچ بحث تطبیقی یا تحلیلی ارائه نکرده‌اند.

به نظر می‌رسد نهاد اکل مال به باطل با دارا شدن ناعادلانه و بلاجهت در دیگر نظام‌های حقوقی مطابقت کامل ندارد و تفاوت‌هایی میان آنها دیده می‌شود.

## ۱. ماهیت قاعده ممنوعیت دارا شدن و استفاده ناعادلانه

در فضای حقوقی کشور ما ایران، معمولاً در بیان ماهیت قاعده منع دارا شدن بلاجهت، تمایز آن با مسئولیت مدنی بیان گردیده و از تعریف مستقیم آن فاصله گرفته شده است. اگرچه هدف از هر دو قاعده، جلوگیری از باقی ماندن ضرر جبران نشده است ولی محور موردنظر در دعوی مسئولیت مدنی ورود ضرر بر زیان دیده است. خواه واردکننده ضرر از آن نفعی برده یا خود نیز آسیب دیده باشد؛ درحالی که محور موردنظر در دارا شدن ناعادلانه و استفاده نامشروع، دارا شدن و انتفاع ناروایی است که شخص از مال یا کار دیگری برده است و به همین اندازه نیز باید به او رجوع شود. پس اگر شخصی به دیگری زیان برساند و خود منتفع نشود، برپایه لزوم جبران ضرر، محکوم می‌شود ولی با عنوان ممنوعیت استفاده بلاجهت، نمی‌توان او را به تأدیه مالی محکوم کرد.

یکی از ارکان دارا شدن بلاجهت این است که ناعادلانه یا بلاجهت باشد. این قید به معنای این نیست که هر استفاده خلاف انصاف را دربرگیرد؛ زیرا مثلاً اگر فروشنده‌ای گران‌فروشی کند، عمل وی خلاف انصاف است ولی مصداق این قاعده نیست. مقصود از ناعادلانه یا بلاجهت این است که استفاده‌ای خلاف موازین حقوقی و به‌طور غیرقانونی صورت گیرد. این امر هنگامی رخ می‌دهد که استفاده، جهت (سبب) مشروعی نداشته باشد (صفایی، ۱۳۹۲: ص ۳۷۵).



واژه «اسباب» در عنوان کتاب دوم از جلد نخست قانون مدنی به معنای «اسباب تملک» و واژه «جهت» در ماده ۳۱۹ قانون تجارت در عبارت «استفاده بلاجهت» به معنای مستند و منبع معتبر است. بنابراین، اصطلاح «سبب» یا «جهت» در اینجا نیز معنایش منبع و مستندِ دارا شدن است.

براین اساس، در قانون مدنی، زمانی می‌توان به ممنوعیت قاعده دارا شدن ناعادلانه استناد کرد که برای (و در راستای) داراشدن، هیچ عنوان حقوقی قراردادی‌ای، مانند ضمان معاوضی، فسخ قرارداد و تلف مبیع قبل از قبض، و هیچ ضمان قهری‌ای مانند اتلاف، تسبیب یا استیفا در میان نباشد.

## ۲. مبنای قاعده ممنوعیت دارا شدن ناعادلانه

از آنجا که قاعده ممنوعیت دارا شدن ناعادلانه در منابع معتبر حقوق اسلامی وجود ندارد یا از آنها استخراج نشده است، باید یا به نحوی به یکی از قواعد معتبر حقوقی بازگردد یا امکان استنباط آن از منابع معتبر بررسی شود. بنابراین، بحث درباره مبنای این قاعده برای بررسی امکان استناد به آن در حقوق داخلی ضروری است. حقوق دانان ایران در بررسی مبنای این قاعده مباحثی را مطرح کرده‌اند. برخی از آنان کوشیده‌اند این قاعده را بر مبنای علت تعهد توجیه کنند و آن را این‌طور توضیح داده‌اند: «بدون هیچ علت قانونی، کسی به زیان دیگری دارا نشود» (امامی، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۳۵۱).

حقوق دانِ دیگری معتقد است که مبنای حقوقی ممنوعیت دارا شدن ناعادلانه، تحصیل نامشروع و بدون مجوز قانونی ثروت است. این امر با «منع اکل مال به باطل» در قرآن نیز سازگار است و قانونگذار باید از تشکیل ثروت‌های بدون سبب مشروع جلوگیری کند و شخصی را که به‌ضرر دیگری، بدون سبب مشروع، دارا شده است، ملزم کند اموالی را که من غیرحق دریافت کرده است، به مالک برگرداند (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ص ۵۴۶).

## ۳. اکل مال به باطل در قانون

مواد مختلفی از قانونی مدنی (مانند ماده ۳۴۸ درباره بیع چیزی که مالیت ندارد، ماده ۳۹۰ درباره ضمان دَرک، مواد ۳۰۱ تا ۳۰۵ درباره دریافت و پرداخت ناروا، ماده ۳۰۶

در باره اداره مال غیر ازسوی شخص فضول، مواد ۳۱۱ به بعد درباره غصب، مواد ۴۱۶ به بعد درباره غبن، ماده ۴۲۷ درباره عیب، مواد ۳۳۶ و ۳۳۷ درباره استیفا از مال یا عمل غیر، ماده ۳۳ درباره زراعت با حبه غیر و ماده ۱۷۲ درباره حیوان ضاله) را می توان مستنبط از دلیل اکل مال به باطل دانست.

ازسوی دیگر، بیشتر حقوق دانان کشور، مواد مذکور از قانون مدنی را به قاعده ممنوعیت دارا شدن ناعادلانه مستند دانسته اند. آنان معتقدند مواد قانونی مذکور نشان می دهد قانونگذار ایران منع قاعده دارا شدن ناعادلانه را به رسمیت شناخته است (همان، ص ۵۴۵؛ همچنین، ر.ک: مرتضوی و ابراهیمی، ۱۳۹۰؛ شیرازی، ۱۳۶۵). البته، باید توجه داشت که اگرچه قانونگذار ایران با بهره گیری از فقه اسلام و حقوق فرانسه، قواعد خاصی را به منظور جلوگیری از هر دو امر (دارا شدن ناعادلانه و اکل مال به باطل) وضع کرده است؛ ولی پذیرش اصل منع دارا شدن ناعادلانه و یکسان انگاری آن با مفاد دلیل اکل مال به باطل از منظر قانون مدنی و حقوق ایران به مطالعه ای تطبیقی در این باره نیازمند است.

#### ۴. عناصر دارا شدن ناعادلانه از دیدگاه حقوق دانان و مقایسه آن با اکل مال به باطل

با بررسی مجموعه ای از سخنان حقوق دانان، در پیوند با توضیح عنوان فوق، مفاد ذیل به دست می آید:

استناد به قاعده منع دارا شدن ناعادلانه با چهار شرط ممکن می شود:

شرط نخست این است که شخصی دارا شود:

«شخصی نفعی را که به پول قابل ارزیابی است، دارا شده است؛ خواه این نفع مقداری پول و ارزش مالی باشد یا نفع معنوی و ناشی از کار دیگری»  
(کاتوزیان، ۱۳۷۴: ص ۱۴۰).

بنابراین، دارا شدن، گاه ممکن است به صورت افزایش دارایی باشد و گاه به صورت کاهش هزینه ها و منتفع شدن شخص از امری معنوی و قابل تقویم به پول.

تفاوت اساسی قاعده دارا شدن ناعادلانه با اکل مال به باطل در همین شرط است.

همان‌طور که از عنوان قاعده مذکور برمی‌آید، در مصادیق آن ممکن است دارا شدن به رسمیت شناخته شود. از ماده ۱۳۸۰ قانون مدنی فرانسه نیز به این امر می‌توان پی برد. این ماده مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی مالی را که با حسن نیت دریافت کرده است، بفروشد، صرفاً مکلف است عواید فروش را مسترد کند». در واقع، قانون مدنی فرانسه در این ماده دارا شدن کسی را که بلاجهت یا ناعادلانه دارا شده است، به رسمیت شناخته است (هرچند به رد عواید فروشش حکم کرده است). در مقابل، در موارد اکل مال به باطل نمی‌توان از لفظ دارا شدن استفاده کرد؛ زیرا دارا شدن شخص به رسمیت شناخته نمی‌شود و باطل تلقی می‌گردد.

شرط دوم این است که دارا شدن شخص با کاهش دارایی دیگری همراه باشد. زمانی می‌توان گفت دارا شدن ناعادلانه یا بلاجهت است که به ضرر یک طرف و به نفع طرف دیگر باشد. مقصود از ضرر نیز کاهش دارایی و ازدست رفتن مال، ارزش مالی، کاری یا ایجاد هزینه به ناحق است که بر دارایی دیگری بیفزاید. این بیان مواردی را خارج می‌کند که شخصی برای حفظ منافع خویش یا دفع ضرر از خود اقدامی کند و دیگری از آن منتفع گردد؛ در این صورت، نمی‌تواند از منتفع، اجرت کار خود را بخواهد (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ص ۲۱۶ و ۵۴۸؛ قاسم‌زاده، ۱۳۷۸: ص ۲۳۶). با توجه به این شرط، در حقوق ایران، اگر دارا شدن شخص از زیان دیگری حاصل نشود، مشمول قاعده منع دارا شدن ناعادلانه نخواهد بود؛ در حالی که در اکل مال به باطل ممکن است دارا شدن شخص با زیان کاهش دارایی فرد دیگری همراه نباشد؛ مانند جایی که شخص از راه حرام مالی به دست آورد، هرچند در این رابطه کسی متضرر نگردد.

شرط سوم وجود رابطه سببیت قابل تبیین و فهم میان دارا شدن شخص و کاهش دارایی و زیان دیگری است.

در این باره گفته شده:

«مدعی باید ثابت کند غنای ایجاد شده [برای طرف مقابل] از فقر او به دست آمده [است]. به بیان دیگر، ارزش تحصیل شده به او تعلق دارد و به ناحق انتقال یافته [است]» (کاتوزیان، همان: ص ۲۱۸).

بنابراین، اگر به دارایی خوانده افزوده شود، ولی رابطه آن با کاهش دارایی و زیان خواهان قابل تبیین نباشد، مشمول قاعده منع دارا شدن ناعادلانه یا بلاجهت نیست. این شرط نیز از دلیل اکل مال به باطل - حتی بنا بر اینکه «باء» در آیه، بای سببیت باشد - قابل استنباط نیست؛ زیرا سببیت ذکر شده در آیه، به معنای رابطه سببیت میان اکل مال به باطل و سبب باطل است نه میان اکل مال و ضرر دیگری.

شرط چهارم این است که دارا شدن نباید با مجوز قانونی یا رضایت طرف مقابل صورت گرفته باشد. در این باره هم گفته شده است برای اجرای قاعده باید «خواهان، انصافاً و وجداناً و باتوجه به قوانین، ذاتاً مستحق همان دارایی باشد».<sup>۲</sup> بنابراین، واژه «ناعادلانه» در نظام‌های حقوقی دیگر، به دلیل امکان استناد به عدالت و انصاف فراتر از تصریحات قانونی برای تشخیص مصادیق قاعده در عنوان آن به کار رفته است. براساس این شرط، اگر شخصی به اقدامی دست بزند یا اموال خود را اداره کند و از این راه، سودی به دیگران برسد، این دارا شدن قابل مطالبه نیست. همچنین، در صورتی که خواهان مرتکب تقصیر شود و از این راه، سودی به دیگران برسد، این دارا شدن قابل مطالبه نیست.

ماده ۳۱۴ قانون مدنی نمونه‌ای از این صورت را بیان کرده است:

«اگر در نتیجه عمل غاصب، قیمت مال مغضوب زیاد شود، غاصب حق مطالبه زیادی را نخواهد داشت؛ مگر اینکه آن زیادتی، عین باشد که در این صورت، عین زاید متعلق به خود غاصب است.»

نمونه دیگر اینکه، اگر شخصی، به اشتباه، منزل دیگری را رنگ آمیزی کند و شخص دیگر از این راه منتفع گردد، مسئولیتی متوجه دیگری نیست؛ همچنین، اگر خواهان در املاک خود تصرفی نماید که موجب ازدیاد قیمت زمین خوانده شده باشد. اگرچه در این نمونه نمی‌توان سببی برای دارا شدن خوانده پیدا کرد، ولی نمی‌توان گفت دارا شدن وی ناعادلانه یا غیرمجاز است. البته، استثنایی که بر این امر وارد شده، این است که کسی اگر بدهی دیگری را به خاطر منفعت خویش پرداخت کند، می‌تواند بعداً دعوی استرداد مطرح کند.<sup>۳</sup>

## ۵. نقد

آنچه گذشت، حاصلی دقیق و خالی از ناهمسویی، از قانون منع دارا شدن بلاجهت یا دارا شدن ناعادلانه به دست نمی‌دهد و اطلاع کاملی از این قانون (یا دو قانون) در اختیار ما نمی‌گذارد. مثلاً در برخی از نگاشته‌های پیشین آمده بود:

الف. «استفاده بلاجهت یا دارا شدن ناعادلانه آن است که شخصی بدون سبب قانونی یا قراردادی و به زیان دیگری دارا شود»؛

ب. «مقصود از ناعادلانه یا بلاجهت این است که استفاده خلاف موازین حقوقی و به‌طور غیرقانونی صورت گیرد».

با این همه، این جمله نیز وجود دارد:

ج. «همان‌طور که از عنوان قانون مذکور به دست می‌آید، در مصادیق آن ممکن است دارا شدن به رسمیت شناخته شود. از ماده ۱۳۸۰ قانون مدنی فرانسه نیز به این امر می‌توان پی برد. این ماده مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی مالی را که با حسن نیت دریافت کرده است، بفروشد، صرفاً مکلف است عواید فروش را مسترد کند.» در واقع، قانون مدنی فرانسه، در این ماده، دارا شدن کسی را که بلاجهت یا ناعادلانه دارا شده، به رسمیت شناخته است. در مقابل، در موارد اکل مال به باطل نمی‌توان از لفظ دارا شدن استفاده کرد؛ زیرا دارا شدن شخص به رسمیت شناخته نمی‌شود و باطل تلقی می‌گردد». ناهمسویی دو متن نخست با متن سوم آشکار است؛ زیرا در حالی که در دو متن نخست بر غیرقانونی بودن دارا شدن بلاجهت تأکید شده است، در متن سوم از به رسمیت شناخته شدن (که جز به معنای قانونی بودن نیست) سخن به میان آمده است.

ناهمسویی دیگر در توضیح این قانون، تأکید برخی از متون گذشته است بر اینکه محور مورد نظر این قانون، قانونی بودن و قانونی نبودن دارا شدن است و به منصفانه بودن و نبودن ناظر نیست؛ در حالی که در یکی از گفته‌ها آمده بود:

«بنابراین، واژه «ناعادلانه» در نظام‌های حقوقی دیگر، به دلیل امکان استناد به عدالت



و انصافِ فراتر از تصریحات قانونی برای تشخیص مصادیق قاعده در عنوان آن به کار رفته است.»

اشکال دیگر توضیحات پیشین دربارهٔ قانون مذکور این است که «دارا شدن بلاجهت»، دقیقاً «دارا شدن ناعادلانه» نیست؛ مگر اینکه هرآنچه بلاجهت و غیرقانونی است، ناعادلانه باشد و بالعکس: هرآنچه ناعادلانه است، غیرقانونی باشد. این در حالی است که هرچند روح قانون و هدف قانونگذار از جعل قانون، ایجاد و اجرای عدالت است، ولی نه قانون دقیقاً بر محور عدالت می‌چرخد و نه عدالت بر محور قانون. براین بنیان، نباید عبارت «ناعادلانه» را بر «بلاجهت» عطف کرد و آن را عطف تفسیری دانست: امری که در بیشتر (یا همه) متون گذشته مسلم انگاشته شده بود.

به هرروی، آنچه در نصوص دینی و متون فقهی می‌توان از آن سراغ گرفت، «منع مؤاکله باطل» (و اکل مال به باطل) است و تعبیر «منع دارایی بلاجهت» را می‌توان تعبیری دیگر از آن دانست، بدون اینکه پدیده دیگری در اعتبار و تشریح باشد. همین وضعیت بر «منع دارایی ناعادلانه» حاکم است؛ با این توضیح که منظور از ناعادلانه، بلاجهت و غیرقانونی است.

### نتیجه‌گیری

عنوان «استفادهٔ بلاجهت یا دارا شدن ناعادلانه» بازتاب موادی از حقوق فرانسه در موادی پراکنده از قانونی مدنی جمهوری اسلامی ایران است؛ برخی این عنوان را به مبانی حقوق فرانسه و برخی به دلیل منع اکل مال به باطل مستند می‌کنند.

پذیرش اصل منع دارا شدن ناعادلانه و یکسان‌انگاری آن با مفاد دلیل اکل مال به باطل از منظر قانون مدنی و حقوق ایران به مطالعه تطبیقی در دلالت این دو نیازمند است.

برایند این مطالعه تطبیقی آن است که قانون منع اکل مال به باطل با قانون منع دارا شدن بلاجهت مطابقت کامل ندارد و تفاوت‌هایی میان آنها دیده می‌شود.

«دارا شدن بلاجهت»، دقیقاً «دارا شدن ناعادلانه» نیست؛ مگر اینکه هرآنچه بلاجهت و غیر قانونی است، ناعادلانه باشد و بالعکس: هرآنچه ناعادلانه است،

غیرقانونی باشد؛ در حالی که نه قانون دقیقاً بر محور عدالت می‌چرخد و نه عدالت بر محور قانون.

آنچه در نصوص دینی و متون فقهی می‌توان از آن سراغ گرفت، «منع مؤاکله باطل» (و اکل مال به باطل) است و تعبیر «منع دارایی بلاجهت» را می‌توان تعبیری دیگر از آن دانست، بدون اینکه پدیده دیگری در اعتبار و تشریح باشد. همین وضعیت بر «منع دارایی ناعادلانه» حاکم است؛ با این توضیح که منظور از ناعادلانه، بلاجهت و غیر قانونی است.

### پی‌نوشت:

۱. بالاینکه مطابق نظر نگارنده، تعبیر «مؤاکله باطل» صحیح است «نه اکل مال به باطل» (ر.ک: علیدوست، ۱۳۹۵: ص ۱۳۳)، ولی به جهت همراهی با کسانی که در گفتار پیش‌رو از آنها نقل سخن می‌شود، از تعبیر «اکل مال به باطل» بهره برده‌ایم؛ تعبیر مشهور نیز «اکل مال به باطل» است. ضمن اینکه، مؤاکله باطل به جهت مصرف نیز ناظر است؛ باوجوداین، طرف مقایسه با دارا شدن ناعادلانه، جهت دارا شدن به باطل و برخوردار شدن است. ازاین‌رو، مناسب است همان «اکل مال به باطل» طرف مقایسه باشد.

2. D. McR. C., Diminution of plaintiff's Estate as an Essential of Unjust Enrichment in an Action at Law, *Virginia Law Review*, Vol. 22, No. 6 (Apr., 1936), pp. 683-689.

در استفاده از این منبع و منبع بعد، از تیم همکار در ترجمه مطالب حقوقی بهره برده‌ایم.

3. Paolo Gallo, Unjust Enrichment: A Comparative Analysis, *The American Journal of Comparative Law*, Vol. 40, No. 2 (Spring, 1992), p. 454.

## کتابنامه

۱. امامی، سیدحسین (۱۳۷۷)، حقوق مدنی، تهران، اسلامیه.
۲. جعفرزاده، علی (۱۳۹۰)، الزامات بدون قرارداد و ضمان قهری، تهران، جنگل.
۳. شیرازی، اکبر (۱۳۶۵)، «مروری اجمالی بر تئوری دارا شدن غیرعادلانه در حقوق ایران، آمریکا و بین الملل»، فصلنامه مجله حقوقی بین المللی، ش ۵.
۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴)، حقوق مدنی (قواعدعمومی قراردادها)، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۵. صفایی، سیدحسین (۱۳۹۲)، مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق طبیعی، تهران، میزان.
۶. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۵)، فقه و حقوق قراردادها (ادله عام قرآنی)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۷. قاسم‌زاده، سیدمرتضی (۱۳۸۷)، مسئولیت مدنی، تهران، میزان.
۸. مرتضوی، عبدالحمید و حسن ابراهیمی (۱۳۹۰)، «قاعده دارا شدن غیرعادلانه در حقوق ایران و کامن‌لا»، فصلنامه وکیل مدافع، ش ۲.
9. Gallo, Paolo, "Unjust Enrichment: A Comparative Analysis", *The American Journal of Comparative Law*, Vol. 40, No. 2 (Spring, 1992), pp. 431-465.
10. D. McR. C., "Diminution of plaintiff's Estate as an Essential of Unjust Enrichment in an Action at Law", *Virginia Law Review*, Vol. 22, No. 6 (Apr., 1936), pp. 683-689.



